

رابطه بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲

دکتر سید علی عبادی نژاد^۱، لیلا ذوقی^۲، سید عزیز رفعتی^۳، عباس قبادی^۴

چکیده

مسئله: عوامل متعدد و متنوعی در برقراری نظم و امنیت اجتماعی تأثیر گذارند. از آن جمله می توان به عوامل جغرافیایی یا مکانی اشاره کرد که متأسفانه در تجزیه و تحلیل جرایم و ناامنی ها کمتر به آن توجه می شود. اهمیت این دسته از عوامل از آن جایی ناشی می شود که بپذیریم همه جرایم و ناامنی ها در بستر مکان و زمان مشخصی رخ می دهند.

هدف و روش: در تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه عوامل مذکور با مقوله نظم و امنیت و ارزیابی اهمیت آنها، با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی و از طریق پرسشنامه محقق ساخته نسبت به سنجش متغیرها در دو بعد عوامل جغرافیایی انسانی و عوامل جغرافیایی طبیعی اقدام شد. جامعه آماری تحقیق را اعضای هیئت علمی و مدرسان گروه های آموزش انتظامی، علوم اجتماعی و جغرافیا در دانشگاه علوم انتظامی تشکیل می دهد و روش نمونه گیری آن سرشماری است.

یافته ها: یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد:

اول آنکه، رابطه معنا داری بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت برقرار است؛ دوم آنکه، در بین عوامل (متغیرهای) جغرافیایی، عوامل جغرافیایی انسانی اهمیت بیشتری دارند؛ سوم آنکه، در میان عوامل جغرافیایی انسانی که بیانگر رابطه تراکم جمعیت با جرم است، بیشترین رابطه را با مقوله نظم و امنیت دارد و از میان عوامل جغرافیایی طبیعی که بیانگر ارتباط خصوصیات مکان استقرار اماکن انتظامی است، دارای بیشترین اهمیت است.

نتایج: در مورد فرضیه اول یعنی وجود رابطه بین عوامل جغرافیایی انسانی و نظم و امنیت با توجه به مقدار آزمون t محاسبه شده (۷/۳) و سطح معنا داری صفر، فرضیه $H1$ با احتمال ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت. اما در خصوص فرضیه دوم با توجه به مقدار آزمون t (۰/۰۳۶) و سطح معنا داری (۰/۹۷۱) فرضیه $H1$ رد شد.

کلید واژه ها

عوامل جغرافیایی / نظم / امنیت / دانشگاه علوم انتظامی / جغرافیای انسانی / جرم

۱- عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲- کارشناس ارشد روانشناسی

۳- عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری

مقدمه و بیان مسئله

برقراری نظم و امنیت و پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه یکی از مهم ترین وظایف و مأموریت های ناجاست (پیمانی اصل و حسین زاده، ۱۳۸۷: ۷۵) و کلیه وقایع از جمله رخدادهای امنیتی و انتظامی به نحوی با موقعیت جغرافیایی معرفی می شود. یک فرمانده [یک برنامه ریز پلیس] مجبور به اخذ تصمیماتی است که نیاز به داشتن دانش، آگاهی و اطلاعاتی دربارهٔ محیط پیرامون خود دارد (مولوی و فرج زاده، ۱۳۸۰: ۱۲۶). به عبارت دیگر، تصمیم گیرندگان و سیاست گذاران محیطی از جمله ناجا نیاز به اطلاعات مکانی و جغرافیایی دارند (عبادی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۲۱). نتایج برخی تحقیقات نشان می دهد که بین ارتکاب به جرایم و ویژگی های محل وقوع جرم ارتباط معنا داری وجود دارد (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۲، ۸۱) و هر جرمی در مکان و جغرافیای خاصی اتفاق می افتد. به عنوان مثال، تراکم جرم در بخش مرکزی شهرها با محدوده های مسکونی متفاوت است. اما در تجزیه و تحلیل مربوط به ناامنی ها به این رکن کمتر توجه می شود و این در حالی است که علم جغرافیا به دلیل ماهیت آنکه به بررسی رابطه انسان و مکان می پردازد، دارای قابلیت های بسیار جالبی در این زمینه است. در این بررسی با هدف نشان دادن اهمیت این شاخه از علوم در مطالعات مربوط به نظم و امنیت از دو بعد مؤلفه های جغرافیای انسانی و طبیعی به مسئله توجه شده است.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی و شناسایی ارتباط بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت و ارائه پیشنهاد های کاربردی براساس یافته ها و نتایج تحقیق است.

اهداف فرعی:

- ۱- تعیین میزان رابطه عوامل جغرافیای انسانی با نظم و امنیت.
- ۲- تعیین میزان رابطه عوامل جغرافیای طبیعی با نظم و امنیت.

سؤال اصلی تحقیق:

آیا بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد؟

سوال های فرعی تحقیق:

۱- آیا بین عوامل جغرافیای طبیعی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین عوامل جغرافیای انسانی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد؟

فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی: بین عوامل جغرافیایی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

۱- بین عوامل انسانی جغرافیایی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد.

۲- بین عوامل طبیعی جغرافیایی و نظم و امنیت رابطه وجود دارد.

پیشینه تحقیق

سابقه مطالعه در خصوص تأثیر محیط بر وقوع جرم به دانشمند یونانی، بقراط در سال های ۴۶۰-۳۷۷ قبل از میلاد بر می گردد. بقراط در خصوص توجه به تأثیر وضع اقلیمی، فصول، باد و هوا بر وجود آدمی تأکید داشت. بعد از او ارسطو، فیلسوف معروف یونانی به مفهوم محیط زیست در مطالعه های خود اشاره کرد و پایه گذار تحقیقات محیطی و تأثیر آن بر انسان بود (جعفریان و شایسته زرین، ۱۳۸۷: ۱۰).

شایسته زرین (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و تحلیل کانون های

جرم خیز شهریار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی» به بررسی جرم سرقت در بخش مرکزی شهریار پرداخته و نتیجه می گیرد که دو کانون جرم سرقت در شهر مذکور وجود دارد که کانون اصلی در محدوده مرکز و کانون فرعی در شهرک اداری واقع شده است، وی همچنین متذکر می شود که بین مکان و زمان به عنوان متغیرهای جغرافیایی با وقوع جرم سرقت رابطه معنا داری وجود دارد.

کلانتری و توکلی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان، «شناسایی کانون های جرم

خیز شهری» بیان می کنند که کانون های جرم خیز بیانگر مکان یا محدوده

جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن از حد متوسط بالاتر است و در راستای شناسایی و تعیین این محدوده ها می توان از نقشه های بزهکاری که توسط مجموعه نرم افزارهای تخصصی (سیستم اطلاعات جغرافیایی) تهیه می گردد، بهره گرفت تا بدین طریق محدوده های آلوده شهری را تحت کنترل در آورده و محدوده های مستعد جرم خیزی یا زمان و مکان احتمالی آنها را در آینده پیش بینی کرد.

عباسی شوازی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان «**رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه انتظامی**» نتیجه می گیرد که عوامل جغرافیایی به همان میزان که در شکل گیری سیاست و مقوله سیاستگذاری از مفهوم کلان آن تأثیر گذارند، بر امنیت و سیاستگذاری امنیتی نیز تأثیر دارند و بخشی از کار ویژه های نیروی انتظامی در ارتباط مستقیم با جغرافیا و مقولات جغرافیایی است.

توکلی (۱۳۸۴) در پایان نامه ای با عنوان «**شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی**» بیان می کند که کنترل و برخورد با مجرمان از طریق روش های سنتی امکان پذیر نیست و پلیس می تواند با بهره گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی تصویری بهتر و جامع تر از وضعیت وقوع جرایم ارایه کند. وی نتیجه می گیرد که اعمال مجرمانه در ظرف زمان و مکانی خاص شکل می گیرد. از این رو، تفاوت در ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری در کنار عامل زمان موجب می شود تا توزیع مکانی، فضایی جرایم در محدوده شهرها یکسان نباشد.

پور احمد و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «**بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران**» اقدام به تحلیل مکان های جرم خیز در شهر تهران کرده اند و نتیجه می گیرند که بین ویژگی های مکان جرم و میزان وقوع آن رابطه معناداری وجود دارد و به همین دلیل تراکم جرایم در بخش مرکزی شهر تهران بیش از سایر نواحی آن است.

چار چوب نظری

هر فرد در قالب زمان و مکان مشخصی زندگی می کند و با توجه به کنش های فردی و اجتماعی خود، در گیر با مکان های خاص در تقابل با کسانی است که به شیوه اجتماعی با او زندگی می کنند، بنابراین ایفای کارکرد اساسی او و همچنین تأثیر و تأثر متقابل بین فرد، اجتماع و فضای پیرامون او در این محدوده قرار دارد (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۴).

کار اصلی جغرافی دان توجه به تأثیرات متقابل انسان و طبیعت بر اساس قاعده عمل و عکس العمل است. بدین طریق که هر جزء ترکیب دهنده از حیات انسانی و هر پدیده طبیعی و انسانی و هر کیفیت ناحیه ای و عوامل بومی در داخل یک یا چند شاخه از علم جغرافیا قرار می گیرد و یک نظم ویژه در همه پدیده هایی که در داخل یک سرزمین یا مکان جغرافیایی به ظهور برسد به وجود می آید. در حقیقت فکر جغرافیایی توانایی شناخت علل این نظم و وابستگی چهره های طبیعی و انسانی به یکدیگر و دریافت نتایج حاصل از آن است (شکویی، ۱۳۷۱: ۱۷).

بر این اساس و از آن جایی که بررسی روابط پدیده های سطح زمین و مطالعه توزیع و پراکندگی آنها کار جغرافیا است. بنابراین، هر گونه پدیده اعم از طبیعی و انسانی [مانند جرم] در محدوده کار و فعالیت آن قرار می گیرد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۳).

در بررسی های جغرافیایی جرم و ناامنی، مفاهیمی همچون مکان، کانون های جرم خیز، جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی و سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد تأکید قرار می گیرد.

الف- مکان: مکان به بخشی از فضا اطلاق می شود که به وسیله انسان اشغال شده باشد (توکلی، ۱۳۸۴: ۲۶).

ب- کانون جرم خیز: مکان یا محدوده جغرافیایی است که میزان بزهکاری در آن بسیار بالا و قابل توجه است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۸).

ج- **جغرافیای طبیعی:** این رشته از جغرافیا به تجزیه و تحلیل و سنجش پراکندگی اشکال زمین، آب و هوا، آبها، خاک ها و سایر پدیده های طبیعی می پردازد (شکوئی، ۱۳۷۱: ۳۰).

د- **جغرافیای انسانی:** به تجزیه و تحلیل پراکندگی انسان و فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی او می پردازد (شکوئی، ۱۳۷۱: ۱۵).

ه- **سیستم اطلاعات جغرافیایی:** عبارت است از مجموعه ابزارهای رایانه ای برای جمع آوری، ذخیره سازی، بازیابی، انتقال و نمایش داده های فضایی [مکانی] از دنیای واقعی به منظور های خاص (بوروف^۱، ۱۹۸۶: ۱۹۴).

دیدگاه اکولوژی (شیکاگو)

واژه اکولوژی اولین بار توسط ارنست هاگل مطرح شد. اکولوژی در حقیقت به روابط و مناسبت های مشترک میان انسان و طبیعت تعریف می شود. در دیدگاه اکولوژی بر محیط و فضایی که مجرم در آن مرتکب جرم می شود تأکید دارد و شرایط محیطی را در بروز جرایم مؤثر می داند (شایسته زرین، ۱۳۸۷: ۱۴).

نظریه مکان های جرم خیر

دیدگاه شرمین، کارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ بر پایه نوعی علت شناسی مکانی جرم استوار شد. طبق این نظریه برخی محدوده ها با نقاط خاصی در شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی دارای تعداد جرم زیادی می باشند که گره های شهری، برخی گذرها و حواشی شهرها دارای این خصیصه هستند (شرمین، ۱۹۸۹: ۲۷-۵۵ به نقل از کلانتری ۱۳۸۲: ۸۳).

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

این تئوری برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ توسط جفری مطرح شد. جفری برخلاف جامعه‌شناسان که توجه بسیاری بر عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم داشته و به عوامل محیطی توجهی نکرده‌اند بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست. مطابق دیدگاه cpted از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت محیط فیزیکی و کنترل کاربری‌های اراضی می‌توان به کاهش نرخ جرایم در جامعه کمک کرد (شایسته‌زین، ۱۳۸۷: ۱۴).

نظریه فضای قابل دفاع

این نظریه در سال ۱۹۷۲ توسط اسکار نیومن مطرح شد. این نظریه بر ویژگی‌های محیطی و همچنین انواع طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتارهای مجرمانه تأکید دارد (شایسته‌زین، ۱۳۸۷: ۱۴).

همچنین وود اولین کسی بود که به رابطه میان جرم و محیط فیزیکی اشاره کرده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۷).

آنگل معتقد است که محیط فیزیکی از طریق مشخص کردن قلمروها، افزایش با کاهش میزان دسترسی، ایجاد یا حذف محدوده‌ها و مرزها و شبکه‌های توزیع و یا تسهیل مراقبت و نظارت به‌وسیله پلیس و شهروندان تأثیر مستقیمی بر موقعیت‌های جرم‌زا دارد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۶).

کته: در قرن نوزدهم در بررسی قوانین جغرافیایی به این نتیجه رسید که هر فرد همیشه تحت تأثیر عوامل جغرافیایی در معرض برخی گرایش‌های جرم‌زا قرار می‌گیرد.

گری: به بررسی رابطه گرما و سرما و محیط‌های مختلف با جرم پرداخته و اثبات کرد محیط جغرافیایی در نوع و نرخ جرایم بسیار مؤثر است.

پارک، برگس و مکنزی در سال ۱۹۲۵ به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های مکانی شهرها در وقوع انواع مختلف جرایم بسیار مؤثر است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۱).

در تحقیق حاضر به صورت التقاطی و ترکیبی از مجموعه نظریات ارائه شده در چارچوب نظری استفاده شده است.

روش شناسایی تحقیق

این تحقیق از نظر نوع کاربردی و به لحاظ روش توصیفی از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری تحقیق: جامعه آماری این تحقیق ۵۰ نفر اعضای هیئت علمی و مدرسان گروه های آموزش جغرافیا، انتظامی و علوم اجتماعی در دانشگاه علوم انتظامی است و به علت محدود بودن جامعه آماری از نمونه گیری تمام شمار (سرشماری) استفاده شده است.

ابزار جمع آوری داده ها:

برای جمع آوری داده های این تحقیق از ابزار پرسشنامه (محقق ساخته) استفاده شده است.

اعتبار و روایی

اعتبار: برای سنجش اعتبار پرسشنامه ابتدا پرسشنامه بین تعدادی از اعضای گروه توزیع و ابهامات افراد در رابطه با سؤال ها مشخص شد. بدین ترتیب تعدادی از سؤال ها حذف و تعداد دیگر جایگزین آنان شد و در نهایت پس از شفاف شدن و رفع ابهامات، پرسشنامه نهایی، تهیه و توزیع شد. ضریب پایائی آلفای کرونباخ محاسبه شده از طریق نرم افزار Spss، ۸۹ درصد است. بنابراین می توان گفت که پرسشنامه تحقیق حاضر از اعتبار کافی برخوردار می باشد.

روایی: برای تعیین روایی تحقیق حاضر از نظرات اساتید، صاحب نظران و کارشناسان علمی این حوزه در امور پژوهشی و مطالعه کتب تخصصی استفاده شده است.

یافته های توصیفی

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جدول شاخص جغرافیایی انسانی فوق مشخص می شود میانگین سؤال اول که به رابطه بین تراکم جمعیت ساکن در یک مکان و نظم و امنیت توجه دارد، از بقیه سؤالات بیشتر مد نظر پاسخگویان بوده است. همچنین به ترتیب سؤال های دوم و هفتم که به رابطه مهاجر پذیری و حاشیه نشینی با نظم و امنیت توجه دارد، در رتبه های بعدی قرار می گیرد.

جدول شماره (۱) توصیف شاخص های جغرافیایی انسانی

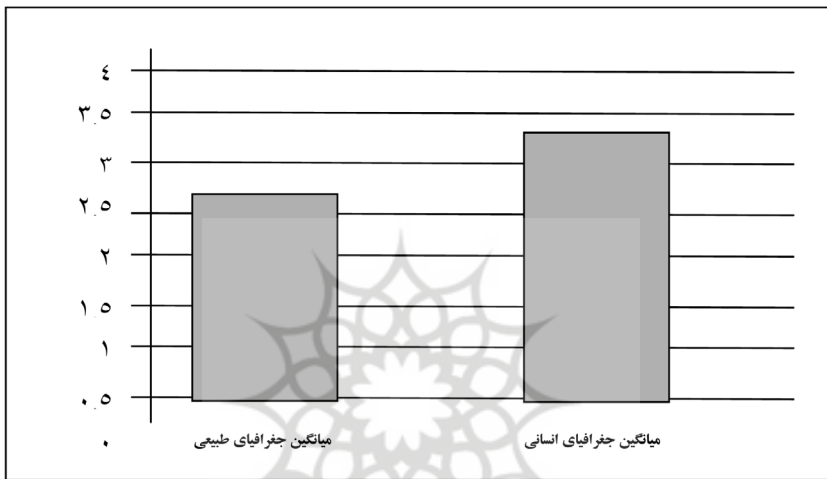
میانگین	انحراف استاندارد	فروانی	شاخص ها
۳/۴۴۴۴	۱/۶۹۷۹۸	۵۰	سؤال اول
۳/۳۲۱۴	۱/۶۶۹۶۴	۵۰	سؤال دوم
۲/۸۹۲۹	۱/۶۸۵۲۶	۵۰	سؤال سوم
۳/۱۰۷۱	۱/۷۸۵۹۵	۵۰	سؤال چهارم
۳/۰۷۱۴	۱/۸۱۳۲۵	۵۰	سؤال پنجم
۳/۱۷۸۶	۱/۷۲۲۸۳	۵۰	سؤال ششم
۳/۲۸۵۷	۱/۵۳۴۵۲	۵۰	سؤال هفتم
۳/۱۷۸۶	۱/۵۴۷۹۶	۵۰	سؤال هشتم
۲/۷۵۰۰	۱/۸۴۴۳۷	۵۰	سؤال نهم
۲/۵۰۰۰	۱/۸۳۸۸۷	۵۰	سؤال دهم

جدول شماره (۲) توصیف شاخص های جغرافیایی طبیعی

میانگین	انحراف استاندارد	فروانی	شماره سؤال
۳/۱۴۲۹	۱/۵۲۴۵۳	۵۰	سؤال یازدهم
۲/۶۴۲۹	۱/۶۷۸۴۷	۵۰	سؤال دوازدهم
۲/۹۶۴۳	۱/۸۳۸۰۸	۵۰	سؤال سیزدهم
۲/۹۲۸۶	۱/۷۶۶۳۶	۵۰	سؤال چهاردهم
۳/۱۴۲۹	۱/۷۵۵۹۳	۵۰	سؤال پانزدهم
۱/۹۲۸۶	۱/۹۷۸۶۱	۵۰	سؤال شانزدهم
۱/۸۵۷۱	۱/۰۰۷۹۱	۵۰	سؤال هفدهم
۱/۹۶۴۳	۱/۸۱۱۱۷	۵۰	سؤال هجدهم
۱/۹۶۴۳	۱/۰۷۰۹۰	۵۰	سؤال نوزدهم

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جدول شاخص های جغرافیای طبیعی مشخص می گردد میانگین یعنی تاثیر محل استقرار اماکن انتظامی (کلانتریها و پاسگاه ها) و سپس یعنی میزان فاصله بین اماکن انتظامی و نقاط جرم خیز با نظم و امنیت بیشتر بوده و مد نظر پاسخگویان قرار گرفته است.

نمودار شماره (۱) میانگین شاخص های جغرافیای انسانی و طبیعی



بر اساس نمودار شماره ۱ مشخص می شود، میانگین شاخص های جغرافیای انسانی بالاتر از میانگین شاخص های جغرافیای طبیعی می باشد و پاسخگویان تأثیر شاخص های جغرافیای انسانی را بر نظم و امنیت بیشتر از شاخص های جغرافیای طبیعی دانسته اند.

یافته های استنباطی

"بین عوامل جغرافیای انسانی و نظم و امنیت در جامعه رابطه وجود دارد."

انحراف استاندارد	سطح معناداری	T
۱۶۳	۱۰۰۰	۷.۳

با توجه به مقدار آزمون T محاسبه شده و سطح معنا داری ۰/۰۰۰ می توان با احتمال ۹۹ درصد بیان نمود فرضیه H_1 مورد تایید قرار می گیرد و فرض صفر عوامل جغرافیای انسانی و نظم و امنیت در جامعه در حد بالایی رابطه وجود دارد.

"بین عوامل جغرافیای طبیعی و نظم و امنیت در جامعه رابطه وجود دارد."

T	سطح معنا داری	انحراف استاندارد
۰/۰۳۶	۰/۰۹۷۱	۰/۰۳

با توجه به مقدار آزمون T و سطح معنا داری ۰/۰۹۷۱٪ متوجه می شویم فرضیه H_1 مورد قبول واقع نشده و فرض صفر مورد تأیید قرار می گیرد یعنی بین عوامل جغرافیای طبیعی و نظم و امنیت در جامعه در حد بالایی رابطه وجود ندارد. با توجه به نتایج استخراج شده فوق مشخص شد بین عوامل جغرافیایی انسانی و امنیت در جامعه رابطه وجود دارد و این موضوع همسو با دیدگاه اکولوژی و نظریات کتله و گری است که شرایط محیطی را در بروز جرایم مؤثر می دانند. نتایج همچنین با نظریات پارک، برگس و مکنزی که ویژگی های مکانی شهرها از جمله تراکم جمعیت ساکن در یک مکان، مهاجر پذیری، خلوتی مکان جرم، طراحی و نقشه شهری، ایجاد شهرک های جدید را در وقوع انواع مختلف جرایم مؤثر می دانند، همسویی دارد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل به دست آمده از داده های حاصل از تحقیق حاضر می توان در سطح توصیفی بیان کرد، در بین شاخص جغرافیای انسانی با توجه به میانگین به دست آمده به ترتیب شاخص های تراکم جمعیت ساکن در یک مکان، مهاجر پذیری یک مکان، حاشیه نشینی، اوقات فراغت و خلوتی مکان جرم در برقراری نظم و امنیت اجتماعی بیشتر مد نظر اعضای هیئت علمی گروه های آموزشی

مورد مطالعه بوده است. همچنین در بین شاخص جغرافیای طبیعی میانگین شاخص تاثیر محل استقرار اماکن انتظامی (کلانتری ها و پاسگاه ها) و میزان فاصله بین اماکن انتظامی و نقاط جرم خیز با نظم و امنیت بیشتر مورد توجه پاسخگویان قرار گرفته است. همچنین میانگین پاسخ های شاخص های جغرافیای انسانی بالاتر از میانگین شاخص جغرافیای طبیعی می باشد و بیشتر مورد توجه پاسخ دهندگان قرار گرفته است.



منابع

۱. بابا غیبی، ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۶)، لزوم تدوین طرح جامع سیستم اطلاعات جغرافیایی نیروی انتظامی، مجموعه مقالات همایش پلیس و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
۲. پور احمد، احمد، محمد تقی رهنمایی و محسن کلانتری، (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، مجله پژوهش های جغرافیایی، سال ۳۵، شماره ۴۴.
۳. پیمانی اصل، عبدالم... و غضنفر حسین زاده، (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر توفیق گشت های انتظامی در پیشگیری از جرایم، فصلنامه علوم انتظامی، سال دوم، شماره اول و دوم.
۴. توکلی، مهدی، (۱۳۸۴)، شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی.
۵. جعفریان، محمد حسن و امیر شایسته زرین، (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر شهریار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه علوم انتظامی، سال دوم، شماره اول و دوم.
۶. جعفریان، محمد حسن، (۱۳۸۷)، جغرافیای جرایم، تهران: دانشکده علوم مرزی و انتظامی دانشگاه علوم انتظامی.
۷. شایسته زرین، امیر، (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر شهریار با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمد حسن جعفریان دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده علوم مرزی و انتظامی.
۸. شکوئی، حسین، (۱۳۷۱)، فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
۹. شکوئی، حسین، (۱۳۷۱)، شناخت و فلسفه جغرافیا، تهران: نشر پیام نور.
۱۰. عبادی نژاد، سید علی، (۱۳۸۳)، کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزهای انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۶، شماره ۲.

۱۱. عباسی شوازی، علی، (۱۳۸۶)، رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۴.
۱۲. مولوی، ارژنگ و منوچهر فرج زاده، (۱۳۸۰)، کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در مکان‌یابی یگان‌های خودکافی در عملیات رزمی، مجموعه مقالات همایش ژئوماتیک ۸۰، تهران: سازمان نقشه برداری کشور.

13. Burrough . p.(1986). *Principle of Geographic Information System For Land Resource Assessment*. Clarendon Press: axford.

